

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

عنوان

تأثیر افکار عمومی بر ابقا یا الغای کیفر اعدام در غرب

نگارش: محسن مرادی حسن آباد

استاد راهنما: دکتر فیروز محمودی جانکی

استاد مشاور: دکتر شهلا معظمی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

گرایش: حقوق کیفری و جرم‌شناسی

تابستان ۱۳۹۰

تقدیم به:

- پدر، مادر و همسر مهربانم
- معلم کلاس آغازینم که نوشتن و خواندنم آموخت؛ جناب آقای دلآرام
- آنانی که ناکرده جرم، گردن به طناب دار سپرده‌اند
- رهروان حق و حقیقت

چکیده

اعدام علاوه بر این که نوعی مجازات به حساب می‌آید، ویژگی‌های افزونی دارد که بر جذابیت تفکر پیرامون آن می‌افزاید. از جمله ابعاد از یاد رفته اعدام، مسئله افکار عمومی و طرز نگاه مردم به آن است. این پایان‌نامه سعی کرده است با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی به کنکاشی پیرامون اعدام از این زاویه بپردازد. سوال اصلی تحقیق این است که افکار عمومی چه تاثیری بر فرایند ابقا و الغای اعدام در غرب داشته است؟ نتایج تحقیق پیش‌رو نشان می‌دهد که افکار عمومی در ارتباط با کیفر مرگ، دو جایگاه متفاوت را در دنیای غرب داشته است: از یک سو در فرایند الغای این کیفر در بسیاری از کشورها، افکار عمومی نتوانسته کنش‌گری فعال باشد و در نتیجه اعدام، علی‌رغم حمایت عمومی از آن، لغو شده است. از جانب دیگر، افکار عمومی در کشورهایی مانند بلاروس و به ویژه ایالات متحده توانسته است به صورتی فعال به کنش‌گری پیرامون اعدام پرداخته و در فرایند ابقای اعدام نقش فراگیر و موثری را ایفا کند. البته در یک مورد افکار عمومی نقش دیگری را نیز ایفا کرده است: به این نحو که در ایرلند افکار عمومی توانسته است در زمینه الغای کیفر اعدام به کار آید. البته آن‌چه که از نظر ما اهمیت دارد این است که چنین کارکردی از افکار عمومی در حدود این پژوهش تنها در همین یک مورد وجود داشته و با ملاحظه این موضوع حتی در صورت عدم همراهی افکار عمومی با جریان الغا، باز هم انتظار الغای کیفر اعدام در این کشور، انتظار نامعقولی نبود. چرا که در قاره اروپا فشارهای بین‌المللی و باور به مشروع بودن الغاگرایی به ویژه بعد از جنگ دوم جهانی، غلبه داشته و همین رویکرد به همراه یک سلسله عوامل دیگر باعث شده است سیاست‌مداران و قانونگذاران اروپایی، علی‌رغم عدم همراهی افکار عمومی، به الغای کیفر اعدام روی بیاورند. برعکس در ایالات متحده، به عنوان بزرگترین ابقاگر غربی اعدام، به واسطه وجود ساختارهای عوام‌گرایانه و به طور کلی وجود زمینه‌های تاثیرگذاری افکار عمومی، این نیروی بالقوه توانسته است در زمینه ابقای کیفر مرگ تاثیرگذار باشد.

واژگان کلیدی: افکار عمومی، کیفر اعدام، کیفرگرایی، پیمایش، اعدام‌گرایی، الغاگرایی،

ابقاگرایی

سپاس‌گزاری

سپاس بی‌کران خداوند منّان را که جان بخشید و فرصتمان داد تا چند صبحی در این منزل ویرانه سر کنیم. فرصت زنده بودن، لحظه‌هایی سراسر تجربه و آموختن بود. این‌که زین پس چگونه باشد به تقدیر آن حیّ لایزال است. فرصت آموختن و بهره بردن از محضر بزرگوارانی چند را نیز مرهون مهربانی و لطف اویم. ناسپاسی و قدرنشناسی است که وجود پدر و مادری را در زندگی‌ام قدردان نباشم که مرا از لحظه آغازین زندگی‌ام همراه و همدل بوده‌اند.

زحمات و راهنمایی‌های استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر فیروز محمودی جانکی در طول دوره کارشناسی ارشد، آن قدر بی حد و حصر بود که زبان گفتن و نوشتنم یاری نمی‌دهد. هم صحبت بودن با ایشان، لحظه به لحظه برایم کلاس درس و اخلاق بود.

زحمات سرکار خانم دکتر شهلا معظمی که همواره در مدت نگارش این پایان‌نامه، پذیرای من و سوالاتم بودند، نیز از یادبردنی نیست.

در پایان از همسر مهربانم که حمایت بی‌دریغم کرد و سکوت تنهاییم را به آوای دلنشین کلامش زدود، قدردانی می‌کنم.

مقدمه	۱
الف) طرح مسئله	۱
ب) انگیزهها و اهداف پژوهش	۶
ج) ضرورت و اهمیت پژوهش	۷
د) روش اجرایی پایاننامه	۷
ه) پیشینه تحقیق و منابع اساسی موضوع	۸
و) طرح کلی پژوهش	۹
فصل نخست: افکار عمومی و کیفرگرایی	۱۰
مبحث نخست: افکار عمومی	۱۱
گفتار اول: مفهوم شناسی و تحول مفهومی	۱۱
۱- تحول مفهوم افکار عمومی	۱۱
۲- تعریف افکار عمومی	۱۷
گفتار دوم: ربطها و نسبتها	۲۰
۱- افکار و نگرشها	۲۰

- ۲- افکار عموم و وجدان جمعی ۲۱
- ۳- عموم و توده ۲۳
- گفتار سوم: عوامل موثر در فرایند شکل گیری افکار عمومی ۲۵
- جمع بندی مبحث ۳۰
- مبحث دوم: کیفرگرایی ۳۲
- گفتار نخست: مفهوم شناسی ۳۲
- گفتار دوم: تبیین تفاوت های کیفر گرایی در میان افراد ۳۷
- ۱- ویژگی های فردی ۳۸
- ۱-۱. جنسیت ۳۸
- ۱-۲. سن ۳۹
- ۱-۳. سطح تحصیلات ۳۹
- ۲- ترس از جرم ۴۱
- ۳- باورهای اجتماعی ۴۳
- ۳-۱. سبک اسناد ۴۳
- ۳-۲. باورهای مذهبی ۴۳
- ۳-۳. باورهای نژادی ۴۴

- ۴- همزادپنداری با مجرم ۴۵
- گفتار سوم: تفاوت‌های کیفرگرایی در سطح کلان (تفاوت میان کشورها) ۴۶
- گفتار چهارم: کیفرگرایی و ابزار پیمایش ۵۱
- جمع بندی مبحث دوم ۵۴
- فصل دوم: تاثیر افکار عمومی بر وضعیت کنونی کیفر اعدام در غرب ۵۸
- مبحث نخست: وضعیت کیفر مرگ در دنیای غرب ۶۰
- گفتار اول: وضعیت اعدام در قوانین داخلی و مقررات بین المللی ۶۰
- ۱- موضع حقوق داخلی کشورهای غربی در قبال اعدام ۶۰
- ۲- وضعیت کیفر اعدام در مقررات بین المللی ۶۲
- گفتار دوم: وضعیت افکار عمومی در ارتباط با کیفر مرگ ۶۴
- ۱- ایالات متحده آمریکا ۶۶
- ۲- لهستان ۶۷
- ۳- جمهوری چک ۶۸
- ۴- انگلستان ۶۸
- ۵- فرانسه ۶۸
- جمع بندی مبحث نخست ۷۰

- مبحث دوم: تاثیر افکار عمومی بر وضعیت کیفر مرگ در غرب ۷۱
- گفتار نخست: تاثیر افکار عمومی در کشورهای الغاگر اعدام ۷۱
- ۱- فرانسه ۷۳
- ۲- آلمان غربی ۷۳
- ۳- انگلستان ۷۴
- ۴- هلند ۷۴
- ۵- لهستان ۷۵
- ۶- ایتالیا ۷۵
- گفتار دوم: تاثیر افکار عمومی بر ابقای اعدام در غرب ۷۶
- ۱- ایالات متحده ۷۷
- ۲- بلاروس ۸۰
- گفتار سوم: تبیین چرایی تفاوت در تاثیر گذاری افکار عمومی در غرب ۸۱
- ۱- چرایی عدم تاثیر افکار عمومی بر الغای اعدام ۸۲
- ۱-۱) غلبه گفتمان حقوق بشری ۸۲
- ۱-۲) تاثیر فشارهای بین المللی ۸۴
- ۱-۳) تاثیر رهبری سیاسی ۸۵

- ۸۵ ۴-۱) تأثیر استقرار دموکراسی
- ۸۶ ۵-۱) تبدیل شدن کیفر اعدام به یک نماد
- ۸۷ ۶-۱) اعتماد به حکومت
- ۸۷ ۲- چرایی تأثیر افکار عمومی بر ابقای اعدام
- ۸۷ ۱-۲) ایالات متحده
- ۹۲ ۲-۲) بلاروس
- ۹۲ جمع بندی مبحث دوم
- ۹۵ نتیجه گیری
- ۹۹ منابع مورد استفاده:

مقدمه

الف) طرح مسئله

کیفر اعدام عرصه تلاقی والاترین ارزش‌هاست: از یک سو آسایش و امنیت جامعه یا حکومت و از سوی دیگر ارزش حیات یک انسان مجرم و یا ناکرده جرم. بحث و جدل جدی به خصوص از زمانی پیرامون اعدام آغاز شد که سزار بکاریا موضع خود را در ارتباط با اعدام مطرح کرد و جز معدود مواردی مخالفت خویش را با آن اعلام نمود. بعد از وی نیز این بحث و جدل‌ها تداوم یافت به نحوی که در سال ۲۰۱۰ تنها ۲۳ کشور اعدام را به اجرا گذاشتند. در همین سال تعداد کشورهایی که رسماً یا عملاً اعدام را لغو کرده‌اند به ۱۳۹ کشور افزایش پیدا کرد؛^۱ به این نحو که ۹۶ کشور اعدام را برای تمام جرایم و به صورت رسمی لغو کرده‌اند، ۹ کشور برای جرایم عادی و ۳۴ کشور نیز به صورت غیر رسمی اعدام را حداقل از ۱۰ سال پیش به اجرا درنیآورده‌اند.^۲

موافقان و مخالفان کیفر اعدام هر کدام برای تقویت موضع خود، دلایلی در دست دارند که در ادامه به اختصار به آن‌ها اشاره خواهیم کرد. مهمترین دلایل مخالفان اعدام از این قرار است:

✓ **تزلزل حق دولت‌ها در سلب حیات انسان:** محور استدلال‌های الغاگرایان این است که کیفر سالب حیات، مجازاتی غیر انسانی و تحقیر کننده به حساب می‌آید که انسان را از حق حیات خود که حقی سلب نشدنی است محروم می‌کند. در همین راستا معاهدات و کنوانسیون‌های متعددی در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای منعقد شده است که در فصل دوم به آن‌ها اشاره خواهیم کرد.^۳

✓ **عدم امکان تناسب بین جرم و مجازات:** کیفر سلب حیات، حداقل و حداکثر ندارد تا بتوان بین وقاحت جرم ارتكابی و مجازات مورد استفاده، تناسب برقرار کرد. به علاوه این امکان وجود ندارد که بین شخصیت مجرم و مجازات مرگ، نوعی تناسب و ارتباط برقرار نمود.

^۱ - همچنین تعداد کشورهایی که اعدام را در سال ۱۹۹۱ برای تمام جرایم لغو کرده بودند، ۴۸ مورد بود و در سال ۲۰۰۱ به ۷۶ افزایش پیدا نمود.

^۲ - Amnesty international(2010), death sentences and executions, p; 1- 41

^۳ - این استدلال طرفداران الغاگرایی، مبنایی انسان‌گرایانه دارد که بسیار مورد انتقاد ابقاگرایان در کشورهای اسلامی بوده است. در واقع از منظر ایشان حق حیات، منشایی الهی دارد و سلب آن نیز با تجویزی که از ناحیه شارع صورت گرفته امکان‌پذیر است. اما باید به این مسئله نیز توجه داشته باشیم که درست است که شارع، سلب حیات بشر را با اعمال برخی کیفرها جایز می‌داند اما این موارد محدود بوده و در تعزیرات نیز امکان تقنین کیفر مزبور اصولاً وجود ندارد. در واقع علاوه بر این که به کرات در روایات و فقه امامیه بر این موضوع تأکید شده که تعزیر باید دون الحد باشد، یک سری عمومات و اطلاقی‌ها نیز وجود دارد که دلالت بر حرمت خون مومن می‌نماید. پس برای سلب حیات از یک مجرم، نیاز به نص صریح و خالی از شبهه وجود داشته و لازم است به قدر متیقن اکتفا شود. آن‌چه که در حال حاضر بیشتر محل ابتلا می‌باشد نیز همین حوزه تعزیرات است که بیشترین میزان اعدام را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است. در واقع در یک نظام مبتنی بر شرع نیز نمی‌توان استدلال بر حق حیات را به کلی کنار گذاشت. چرا که در غیر موارد منصوص، همان حق حیات در برابر حکومت اسلامی قابل طرح و دفاع است.

✓ **عدم توجه به دلایل اجتماعی ارتکاب جرم و اصلاح مجرم:** کیفر اعدام به معنای چشم پوشیدن بر دلایل ارتکاب جرم و عدم توجه به مقوله پیشگیری از جرم است. مجرم محصول جامعه خویش بوده و جامعه و ساختارهای آن وی را به چنین مجرمی تبدیل کرده است. علاوه بر این، اعمال اعدام به معنای عدم توجه به مقوله اصلاح و درمان مجرمین می‌باشد.

✓ **تبعیض در اجرای مجازات:** این استدلال بیشتر در ایالات متحده و از سوی مخالفان اعدام در این کشور مطرح می‌شود. در واقع به واسطه ویژگی‌های خاص جامعه آمریکا و از جمله مطرح بودن مسائل نژادی و رنگین پوست‌ها، این استدلال محور استدلال‌های مخالفان اعدام را در این کشور تشکیل داده است. موضعی که اکثریت قضات دیوان عالی ایالات متحده نیز در ارتباط با اعدام در پرونده معروف **Furman v. Georgia** اتخاذ کردند، نشان داد که آن‌ها بر همین جنبه و نه تعارض ذاتی اعدام با قانون اساسی تاکید داشتند. در سال ۱۹۸۳ پروفسور دیوید سی بالدوس مطالعه‌ای بر روی کیفر اعدام در ایالت جورجیا منتشر ساخت. نتایج تحقیق وی نشان داد که از سال ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۹ قاتلینی که قربانشان سفید پوست بوده با احتمال یازده برابر بیشتر از قاتلهایی که قربانی‌شان سیاه پوست بوده‌اند با کیفر مرگ مورد مجازات قرار گرفته‌اند.^۱

✓ **امکان اشتباه در اجرای مجازات و عدم امکان جبران آن اشتباه:** در اعمال مجازات اعدام نیز مانند سایر مجازات‌ها، به دلیل طبیعت عدالت انسانی، امکان اشتباه قضایی و اعدام افراد بیگناه وجود دارد. اما آن‌چه که به این امر برجستگی خاصی می‌بخشد این است که این اشتباهات در اعمال مجازات اعدام، غیر قابل بازگشت و جبران ناپذیر است. از این‌رو این دلیل نیز بسیار مورد توجه مخالفین اعدام بوده است.

✓ **بی‌رحمانه و غیرانسانی بودن اعدام:** بنا به ادعا سلب حیات از مجرم، خود رفتار قبیحی مانند رفتار قاتل است که جامعه درصدد تقبیح آن می‌باشد و حتی از آن نیز قبیح‌تر است چراکه قاتل ممکن است تحت تاثیر احساسات و به صورت اتفاقی مرتکب قتل شده باشد لیکن جامعه در کمال خونسردی و با برنامه‌ریزی دقیق چنین قتلی را مرتکب می‌شود.^۲

✓ **عدم بازدارندگی:** الغاگرایان معتقدند اعدام علی‌رغم تمام ادعاهایی که پیرامون آن وجود دارد، فاقد قدرت بازدارندگی است. وقتی تمام شرایط پیرامونی نحوه استفاده از کیفر اعدام در کشورهای دموکراتیک و تحت حکومت قانون به حساب آید، ثابت شده است که این کیفر اثر بازدارنده‌ای فراتر از سایر ضمانت‌های اجرایی جایگزین ندارد.^۳

^۱ - West's Encyclopedia of American law(2005), Thomson Gale, 2nd edition, vol 3, p; 240

^۲ - جعفری فریدون، تحلیل مجازات اعدام در جرایم مستوجب تعزیر و مجازات‌های بازدارنده، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، سال ۱۳۸۱، ص ۵۱

^۳ - Hood Roger (2001), Capital punishment; a global perspective, punishment and society, p; 331

✓ **هزینه‌های مجازات اعدام:** مخالفان مجازات اعدام هزینه‌های اعدام را بسیار بیشتر از جایگزین‌هایی مانند حبس ابد می‌دانند. برای مثال در ایالات متحده، تدی باندی که به ۲۸ مورد قتل در چهار ایالت آمریکا اعتراف کرد، پیش از این که با صندلی برقی اعدام شود، حدود ۵ میلیون دلار بر مالیات‌دهندگان تحمیل کرد. در حالی که هزینه سالیانه یک زندانی چیزی حدود ۲۵۰۰۰ دلار می‌باشد. به این ترتیب یک زندانی در یک دوره ۴۰ تا ۵۰ ساله اندکی بیش از یک میلیون دلار بر مالیات‌دهندگان تحمیل خواهد کرد. همچنین نتایج تحقیقی که توسط کمیسیون مطالعه حقوق کیفری ایندیانا در سال ۲۰۰۲ انتشار یافت نشان داد که هزینه‌های اعدام ۳۸ درصد بیشتر از حبس ابد است.^۱

✓ **تأثیر ضد بازدارنده اعدام:** برخی از مخالفان کیفر اعدام بر این باورند که اعدام نه تنها بازدارنده نیست، بلکه تأثیر عکس نیز دارد. به این معنا که باعث می‌شود میزان گرایش افراد به خشونت و ارتکاب جرم افزون‌تر شود. کارل مارکس از جمله این افراد است که به چنین موضوعی باور داشته و در مقاله‌ای که در روزنامه نیویورک در ۱۸ فوریه ۱۸۵۳ منتشر ساخت، چنین دیدگاهی را مطرح نمود.^۲ در مقابل مهمترین ادله طرفداران اعدام نیز به این نحو می‌باشد:

✓ **کمک به اجرای عدالت:** موافقان اعدام، این کیفر را وسیله اجرای عدالت و بازگشتن وضعیت طبیعی می‌دانند. به واقع اعدام پاسخ گناهی است که مجرم در حق دیگری کرده و حیات را از وی سلب نموده است. این دلیل بیشتر در موافقت با قصاص به کار می‌رود.

✓ **ایجاد رعب و هراس در مجرمین و سایر مردم (پیشگیری عام از بزهکاری):** این ادعا یکی از مهم‌ترین و پرکاربردترین دلایلی است که موافقان اعدام به آن استناد می‌کنند. مخالفان الغای اعدام به این موضوع اشاره می‌کنند که مجازات اعدام، اثر بازدارنده دارد. گاهی استنادشان به این است که در طول دوره تعلیق کیفر اعدام در ایالات متحده از سال ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۶ تعداد قتل‌ها در سطح ملی حدوداً دو برابر شده است.^۳

✓ **جلوگیری از هزینه‌های زیاد زندان:** ادعا این است که اعدام نسبت به حبس هزینه بر نمی‌باشد. چرا که در یک برهه زمانی خاص شروع شده و بلافاصله خاتمه می‌یابد.

✓ **احترام به زندگی انسان‌ها:** اگر قاتل را به چند سال حبس محکوم بکنیم به معنای قبول این گفته است که «من به استناد اصول مورد قبول خود، آدم می‌کشم و به استناد اصول مورد قبول شما زندگی خود را از شما می‌خواهم». به واقع ادعا این است که اگر حیات ارزش

^۱ - West's Encyclopedia of American law, Op cit, p; 238

^۲ - برای مطالعه تفصیلی دیدگاه مارکس در این ارتباط ر.ک:

Bohm Robert M(2008), Karl Marx and the death penalty, Crit Crim, Springer science, pp: 285-291

^۳ - West's Encyclopedia of American law, Op cit, pp; 241-242

مطلق دارد، باید نخست آنرا در مورد مقتول اعمال کنیم. اعدام وسیله احترام به زندگی انسان‌هاست.^۱

در حالی که افکار عمومی جزء ادله مشترک بین موافقان و مخالفان این کیفر است، بیشتر موافقان اعدام، به افکار عمومی استناد می‌کنند. به این ترتیب که گاهی به عنوان **عذری** از سوی قانون‌گذاران و اعضای هیات منصفه به کار می‌رود؛ اینان ادعا می‌کنند شخصاً طرفدار الغای اعدام هستند اما نمی‌توانند جلوتر از افکار عمومی حرکت کرده و با اعدام مخالفت ورزند. گاهی نیز به عنوان یک **توجیه** به کار می‌رود. بدین معنا که استفاده از اعدام به عنوان پیامد حکومت دموکراتیک و اعمال اراده اکثریت مردم عنوان می‌شود. در بسیاری از موارد در جهت توجیه حفظ اعدام به افکار عمومی و جهت‌گیری آن نسبت به ابقای اعدام استناد می‌شود.^۲ پس علی‌الظاهر بین دموکراسی و فرایند الغای اعدام می‌تواند یک تعارض درونی وجود داشته باشد که در تحلیل‌مان از وضعیت ابقا یا الغای اعدام باید به این موضوع توجه ویژه‌ای داشته باشیم.^۳

گاهی ابقاگرایان به این موضوع استناد می‌کنند که افکار عمومی آماده پذیرش الغای اعدام نیست. در واقع ادعای این گروه چنین است که الغای اعدام بدون این که افکار عمومی با آن موافق باشد، باعث شکست ایده الغاگرایی شده و اعتماد به قوانین را کاهش خواهد داد.^۴ اصولاً عموم مردم بدون این که اطلاعات کافی در مورد کارایی کیفر مرگ داشته باشند، تصوّر خاصی در مورد اعدام و بازدارندگی آن ندارند. تصور این است که در صورت الغای اعدام، ناامنی فراگیری حاکم شده و میزان ارتکاب جرایم افزون‌تر خواهد گشت. گاهی نیز ادعا می‌شود که الغای بدون حمایت افکار عمومی به انتقام خصوصی دامن خواهد زد.

در مقابل در حلقه الغاگرایان نیز افکار عمومی مورد استناد و تمسک قرار می‌گیرد. البته باید اذعان کرد که در این سوی ماجرا بحث پیرامون افکار عمومی به داغی مباحث گروه‌های پیشین نیست. اینان بعضاً به افکار عمومی برای تقویت جریان الغاگرایی استناد می‌کنند. به این معنا که عموم مردم را همراه و همسو با این پدیده می‌دانند. گاهی نیز الغای کیفر مرگ با تمسک مستقیم به افکار عمومی و از طریق یک رفراندوم عمومی صورت گرفته است که چنین مواردی به واقع بسیار نادر است.

^۱ - جعفری فریدون، پیشین، صص ۴۸-۴۹

^۲ - Schabas William A (2004), public opinion and the death penalty, Capital punishment; strategies for abolition, Cambridge University Press, p; 309

^۳ . این موضوع مختص کشورهای غربی نبوده بلکه در دیگر کشورها از جمله کشور خودمان نیز افکار عمومی به صورت رسمی یا غیر رسمی برای توجیه یا معذور دانستن اجرای مجازات اعدام به کار می‌رود. به ویژه در زمینه مواد مخدر در بسیاری از موارد شاهد بوده‌ایم که تداوم مبارزه با این پدیده و اعمال مجازات اعدام، به عنوان مطالبه مردمی معرفی می‌شود.

^۴ - Hood Roger and Hoyle Carolyn(2008), The death penalty; a worldwide perspective, Oxford University Press, Fourth edition, pp; 350-1

گاهی الغاگرایان به این موضوع اشاره کرده‌اند که الغای اعدام باید همراه با آموزش مردم و همراه کردن آن‌ها با این موضوع باشد که کیفر اعدام منافعی حیثیت و شرافت انسانی است.^۱ در واقع موضع این دسته متضمن توجه به افکار عمومی در فرایند الغا و نه لزوماً ترتیب اثر دادن به دیدگاههای آن‌ها در این زمینه می‌باشد.

دسته سوم الغاگرایان برآنند که افکار عمومی در زمینه الغای اعدام، مداخلتی نداشته و قانون‌گذار سوای از این‌که مردم چه دیدگاهی در این زمینه دارند، باید به فرایند الغای اعدام اقدام کند. قانونگذار باید بدون این‌که به افکار عمومی توجهی داشته باشد به حق حیات بشر، به عنوان یک حق خدشه ناپذیر و انسانی، توجه کند و این توجه در جهت تامین منافع واقعی مردم می‌باشد؛ منافعی که افراد ممکن است نسبت به آن‌ها واقف نباشند.

موضوعی که قرار است در این پژوهش به تفصیل به آن بپردازیم این است که در فرایند الغا و ابقای کیفر اعدام در غرب، افکار عمومی در چه جایگاهی قرار داشته است. آیا الغای اعدام به اعتبار همراهی و موافقت افکار عمومی صورت گرفته است؟ در واقع جنبه‌ای از روند الغا و یا ابقای اعدام را به بررسی خواهیم نشست که کمتر مورد بحث قرار گرفته، اما در عین حال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. سوای پرداختن تفصیلی به این موضوع که آیا افکار عمومی می‌تواند به عنوان یک دلیل در الغا یا ابقای اعدام به حساب آید یا خیر، این مسئله را در این اثر پیگیری خواهیم کرد که در فرایند ابقا و یا الغای اعدام در دنیای غرب، افکار عمومی چه نقش و جایگاهی داشته است؟

اما پرداختن به این موضوع نیاز به این دارد که بدانیم افکار عمومی چیست و از چه زمانی مطرح شده است؟ پاسخ دادن به این سوال برای ما گریزناپذیر است چراکه تا کنون در مباحث حقوقی و جرم‌شناسی در این ارتباط کمتر شنیده‌ایم. پس لاجرم باید بدانیم افکار عمومی چه مفهومی دارد. بعد از پاسخ به این سوال برای درک تاثیرگذاری افکار عمومی و یا عدم تاثیرگذاری آن بر فرایند الغای اعدام، باید به این سوال نیز پاسخ بدهیم که آیا افکار عمومی پیرامون مسئله کیفر و به ویژه کیفر اعدام قابل شکل‌گیری است یا خیر؟ به واقع برای این‌که مسئله اصلی مورد بررسی در این پژوهش را بهتر پاسخ دهیم، گریزی از طرح این مباحث و پاسخ گفتن به آن‌ها نداریم. برای بررسی وضعیت تاثیرگذاری افکار عمومی بر الغا یا ابقای اعدام گریزی نخواهیم داشت که به داده‌های موجود و تحلیل و بررسی آن‌ها بسنده کنیم. در واقع وضعیت افکار عمومی در تمام کشورهای غربی برای ما مشخص نیست از این رو به ناچار به کشورهایی اشاره خواهیم کرد که اطلاعاتی از وضعیت افکار عمومی در ارتباط با کیفر اعدام در آن‌ها در دسترس می‌باشد.

از این رو سوال اصلی این پژوهش که به تفصیل به آن خواهیم پرداخت و پیش از این نیز به آن اشاره- ای داشتیم عبارت است از این‌که:

«در فرایند ابقا و الغای اعدام در غرب، افکار عمومی چه نقش و جایگاهی داشته است؟»

^۱- Hood Roger and Hoyle Carolyn(2008), Ibid, p; 351

البته پاسخ به این سوال مستلزم پاسخ گفتن به یک سری سوالات فرعی دیگر نیز می‌باشد که گریزی از طرح و پاسخ گفتن به آن‌ها وجود ندارد:

۱- افکار عمومی به چه معناست؟

۲- کیفرگرایی به چه معناست؟

۳- در زمان الغای اعدام در کشورهای غربی، افکار عمومی چه موضعی نسبت به موضوع داشته است؟

۴- بعد از الغای اعدام آیا در دیدگاه‌های مردم راجع به موضوع تغییری ایجاد شده است یا خیر؟

۵- رابطه دیدگاه حقوق بشری و افکار عمومی و تاثیر آن بر ابقا و یا الغای اعدام به چه صورت بوده است؟

ب) انگیزه‌ها و اهداف پژوهش

آنچه که انگیزه اولیه نویسنده در نگارش این سطور بود، چیزی جز اصیل و جالب بودن موضوع و تازگی بحث نبوده است. تلاقی دو موضوع که به تنهایی برای خودشان جذابیت‌های فراوانی داشتند، بر تازگی و جذابیت کار افزود و انگیزه را دو چندان کرد. از سوی دیگر به فراموشی سپرده شدن این بُعد از تحقیقات پیرامون کیفر و این موضوع که تا کنون از این زاویه به مسئله نگرسته نشده بود نیز در انتخاب موضوع بی‌تاثیر نبوده است. در کشور ما مسئله افکار عمومی و ارتباط آن با کیفر، حوزه از یاد رفته تحقیقات پیرامون کیفر است. این عقب ماندگی و فقر تحقیقاتی پیرامون مسئله اعدام نیز وجود دارد. به واقع مسئله افکار عمومی در میان اندیشمندان حوزه کیفر یا مغفول واقع شده و یا مفروض! غفلت از طرح این بحث، ما را از حوزه‌ای جذاب و فراگیر محروم ساخته است. آنانی نیز که این مسئله را مفروض گرفته‌اند یا به وادی افراط گراییده‌اند یا به تفریط؛ بدین معنا که یا قاطعانه از عدم تاثیر افکار عمومی بر مسئله کیفر سخن گفته‌اند و یا منفعلانه این تاثیرگذاری را به رسمیت شناخته‌اند. حال آن‌که مسئله واقعاً متفاوت از این است. تا زمانی که افکار عمومی را شناسیم و ندانیم چیست، چگونه می‌توانیم از تاثیرش در این حوزه سخن بگوییم.

اما اهدافی که در این اثر در پی رسیدن به آن هستیم، در وهله اول این است که جایگاه افکار عمومی را در غرب در ارتباط با وضعیت کنونی اعدام مشخص کنیم. این موضوع بر وسعت دید ما نسبت به فرایند الغای اعدام خواهد افزود. به علاوه در پی پرداختن به این موضوع نیز خواهیم بود که مفهوم افکار عمومی را تا حدی تبیین کنیم و به عبارتی بتوانیم نحوه مطالعه افکار عمومی پیرامون نهاد کیفر را در کشورمان تا حدی مشخص کنیم. به عبارت دیگر تبیین وضعیت افکار عمومی و نحوه مطالعه آن در غرب، برای محققین داخلی نیز خواهد توانست نکات جالب توجه و آموزنده‌ای داشته باشد.

ج) ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت طرح این بحث در فضای کنونی جامعه دانشگاهی، ناشی از احساس نیاز نگارنده به طرح این بحث چه از منظر کنجکاوی و علاقه فردی و چه بابت خلاء کار تحقیقاتی پیرامون این مسئله بود. کیفر اعدام همواره موضوعی غامض و مسئله‌دار می‌نماید و افکار عمومی نیز برایمان مفهوماً ناشناخته باقی مانده است. تا کنون به مسئله اعدام از این بُعد در ایران توجه نشده است. نگاهی گذارا به پایان نامه‌ها و آثاری که در این زمینه به رشته تحریر درآمده‌اند، گویای این مسئله است که در طرح این بحث در کشور ما غفلت‌هایی صورت گرفته است. در باب ضرورت اجرای چنین پژوهشی باید به این نکته اشاره کنیم که طرح این بحث ما را از یک سو با مفهوم افکار عمومی آشنا خواهد کرد و این که چه تحولاتی پیرامون آن رخ داده و از سوی دیگر با این موضوع که کیفرگرایی و اعدام‌گرایی به چه معناست و زمینه‌های شکل‌گیری آن کدام است. و در نهایت دانستن این که افکار عمومی چه جایگاهی در فرایند الغای اعدام در غرب داشته است، می‌تواند برای محققین داخلی نیز آموزنده و بدیع از این جهت باشد که فرایند الغا یا ابقای اعدام تا کنون در کشور ما با یک دید علت‌شناسانه مورد بحث و فحص قرار نگرفته است.

از این رو این پایان‌نامه خواهد توانست ضمن شناساندن منابع موضوع، در این زمینه فتح بابی کرده و مفاهیمی از قبیل "افکار عمومی" را که بیشتر در رشته‌های جامعه‌شناسی، ارتباطات و مطالعات فرهنگی مورد مطالعه قرار می‌گیرد، بیش از پیش وارد ادبیات حقوقی ما بکند.

د) روش اجرایی پایان‌نامه

در این پژوهش برآنیم تا موضوع را با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و روش تحلیلی-توصیفی به بررسی بپردازیم. البته در طرح اولیه کار بر آن بودیم که یک کار پیمایشی را در ارتباط با دیدگاه‌های مردم در مورد کیفر مرگ انجام بدهیم، لیکن با انجام مطالعات مقدماتی به این نتیجه رسیدیم که انجام چنین کاری بسیار زمان‌بر و پرهزینه خواهد بود. کما این که در بسیاری از کشورهای دیگر نیز انجام افکارسنجی پیرامون کیفر اعدام نه در قالب پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، بلکه توسط موسسات بزرگی مثل گالوپ و با صرف وقت و هزینه زیاد صورت می‌گیرد. از سوی دیگر انجام یک کار پیمایشی بدون این که ابعاد مختلف موضوع برایمان مشخص باشد و از نحوه مطالعه پیرامون افکار عمومی مطلع باشیم، چندان جالب به نظر نمی‌رسید. از این رو بهترین گزینه این بود که در این مرحله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای موجود و بهره‌گیری از روش تحلیلی-توصیفی و فراتحلیلی به بررسی این موضوع بپردازیم.

ه) پیشینه تحقیق و منابع اساسی موضوع

در ارتباط با منابع موجود به زبان انگلیسی باید به این موضوع اشاره کنیم که در ارتباط با بررسی دیدگاههای مردم در ارتباط با کیفر مرگ، پیمایش‌های متعددی در غرب صورت گرفته است که نتایج آن‌ها در کشورهای مختلف، تا حد زیادی الگوی واحدی از کیفرگرایی را نشان می‌دهد. از جمله مهمترین و قدیمی‌ترین این پیمایش‌ها باید به کارهایی که موسسه گالوپ در ایالات متحده انجام داده اشاره کنیم. این پیمایش‌ها به صورت منظم از سال ۱۹۳۶ صورت گرفته است. در سال ۱۹۳۶، ۵۹ درصد مردم ایالات متحده از اعدام حمایت کردند و در نقطه اوج آن در سال ۱۹۹۳ ۸۰ درصد از اعدام مرتکب قتل حمایت نمودند. نتایج یکی از این کارها نیز که در اواخر سال ۲۰۰۹ میلادی صورت گرفته است، حکایت از حمایت ۶۵ درصدی از اعدام برای قتل در میان مردم ایالات متحده دارد. از جمله مهمترین آثاری که به مقوله کیفرگرایی پرداخته‌اند نیز می‌توان به صورت خلاصه به موارد زیر اشاره کرد. البته در این زمینه کارهای متنوعی صورت گرفته است که در این قسمت به آن‌ها اشاره نمی‌کنیم اما در ادامه و به تناسب بحث به دیدگاههای نویسندگان و اندیشمندان این حوزه اشاره خواهیم کرد و از نتایج پژوهش آن‌ها بهره خواهیم گرفت.

- Kesteren, John van (2009). *Public attitudes and sentencing policies across the world*, European Journal of Criminal policy, Springer science
- Krajewsky, Krzysztof (2009). *Punitive attitudes in Poland- the development in the last years*, European Journal of Criminal policy, Springer Science
- Kury, Helmut and Brandenstein Martin and Oberfell-Fuchs Joachim (2009). *Dimensions of Punitiveness in Germany*, European Journal of Criminal policy, Springer Science.
- Unnever, James d. and Cullen, Francis T. (2009). *Empathetic Identification and Punitiveness: a Middle-range Theory of Individual Differences*, *Theoretical Criminology*, Sage Publication, pp283-312
- Sprott, Jane B (1999). *Are Members of the Public Tough on Crime?: the Dimension of Public Punitiveness*, *Journal of Criminal Justice*, Vol. 27, No. 5, Elsevier Science Ltd.

در منابع داخلی نیز در ارتباط با کیفر مرگ، کارهایی صورت گرفته است که از آن‌ها می‌توانیم به پایان‌نامه تحلیل مجازات اعدام در جرایم مستوجب تعزیر و مجازات‌های بازدارنده نوشته فریدون

جعفری اشاره بکنیم. البته این پایان‌نامه به موضوع افکار عمومی نپرداخته بلکه موضوع اعدام در جرایم تعزیری و مستوجب مجازات بازدارنده را با دیدی فقهی به بررسی گذارده است. تنها کار پژوهشی که در این ارتباط به صورت پیمایشی در کشور ما به انجام رسیده است، در شهر قم و با حمایت دادگستری این شهرستان توسط فاطمه کریمی و اصغر کاظمی صورت گرفته است. در این کار پیمایشی که در قالب یک کتاب نیز به جامعه علمی عرضه شده، دیدگاههای مردم قم در ارتباط با کیفر اعدام بررسی شده است.^۱ نتایج پژوهش مزبور حکایت از سطوح بالای حمایت از اعدام در قم دارد. به طور مثال در پاسخ به این سوال که «من به طور کلی با نبودن اعدام در ایران موافقم» ۸۶/۵ درصد مخالف بودند. همچنین در پاسخ به این پرسش که «مجازات اعدام برای هر جرمی و در مورد هر مجرمی اقدامی غیر انسانی است»، ۷۵/۴ مخالف بودند که حکایت از سطوح بالای اعدام‌گرایی در میان اهالی قم دارد. لیکن زمانی که جایگزینی حبس ابد با اعدام به مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد شد، میزان اعدام‌گرایی به ۵۹/۶ درصد کاهش یافته و ۳۱/۸ درصد موافق این جایگزینی بودند. در مورد اعدام برای جرایم خاص نیز از مخاطبان سوال شده بود. مثلاً در مورد جرایمی چون قاچاق مواد مخدر و جاسوسی ۶۶/۵ درصد موافق اعدام بودند. نویسندگان در نهایت چنین نتیجه گرفته‌اند که: «اکثریت مردم با اجرای اعدام موافق بوده و معتقدند نباید در اعدام افرادی که امنیت جامعه، اخلاق عمومی و... را به خطر می‌اندازند کوتاه آمد...».

و) طرح کلی پژوهش

این پایان‌نامه بنا به اقتضای موضوع در دو فصل ارائه خواهد شد. در فصل نخست به بررسی افکار عمومی و نحوه شکل‌گیری آن خواهیم پرداخت. افکار عمومی به چه معناست؟ از طریق چه مجاری شکل می‌گیرد؟ و سولاتی از این دست در فصل نخست بررسی خواهد شد. علاوه بر این در این فصل به بررسی کیفر‌گرایی و امکان شکل‌گیری افکار عمومی پیرامون کیفر و به ویژه اعدام نیز خواهیم پرداخت.

فصل دوم به بررسی وضعیت کیفر مرگ در غرب خواهد پرداخت. وضعیت کنوانسیون‌های بین‌المللی و نیز موضع افکار عمومی در ارتباط با کیفر مرگ در غرب نیز موضوع سخن خواهد بود. در مبحث دوم از فصل دوم نیز به بررسی تأثیر افکار عمومی بر وضعیت اعدام در غرب با تفکیک کشورهای الغاگر و ابقاگر اعدام پرداخته و چرایی تفاوت در تأثیرگذاری افکار عمومی را در این کشورها تبیین خواهیم کرد. در نهایت نیز نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده در این پایان‌نامه ارائه خواهد شد.

^۱ کریمی، فاطمه و کاظمی، اصغر، بررسی وضعیت مجازات اعدام، چاپ اول، دادگستری استان قم، ۱۳۸۷

فصل نخست:

افکار عمومی و کیفرگرایی